

بررسی و مقایسهٔ گفتار زنانه در اشعار ژاله قائم‌مقامی و پروین اعتصامی

کبری موسوی قهفرخی^۱

چکیده

ژاله قائم‌مقامی و پروین اعتصامی دو تن از پرآوازه‌ترین زنان شاعر معاصرند که شباهت‌های گوناگونی از لحاظ خاستگاه خانوادگی، فراگیری علوم مختلف، مهاجرت خانوادگی به تهران، درک اوضاع سیاسی و اجتماعی دورهٔ قاجار و پهلوی اول، ازدواج با همسری نظامی و نهایتاً جدایی داشته‌اند. در این پژوهش، با روش اسنادی و رویکرد توصیفی-تحلیلی، با برداشتی آزاد از دیدگاه دکتر محمود فتوحی دربارهٔ زنانه‌نویسی، به بررسی و مقایسهٔ شاخصه‌های گفتار زنانه در اشعار ژاله قائم‌مقامی و پروین اعتصامی پرداخته شده است. هرچند زبان فارسی فاقد جنسیت است، می‌توان در لایه‌های واژگانی، نحوی، بلاغی، کاربردی و قلمرو محتوایی، نشانه‌های گفتار زنانه را ردیابی کرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دو شاعر، با وجود شباهت‌های زیاد در زندگی، نمودهای متفاوتی از گفتار زنانه را بروز داده‌اند. در لایهٔ واژگانی، قائم‌مقامی از واژگان جنسی، واژگان جنسیتی و واژگان معرف جایگاه اجتماعی زنان برای توصیف وضعیت خود بهره برده؛ در حالی که اعتصامی به استفاده از واژگان جنسی تمایل نداشته و سایر واژگان را نیز برای توصیف دیگران به کار برده است. در لایهٔ نحوی، میزان جملات ساده و کوتاه در شعر هر دو شاعر زیاد است؛ اما جملات پرسشی بسامد ندارد؛ قائم‌مقامی برخلاف اعتصامی، از تشدیدکننده‌ها بهره برده است. در لایهٔ بلاغی، دو شاعر به کنایه و تعریض گرایش داشته‌اند و از استعاره‌های زنانه استفاده کرده‌اند. در لایهٔ کاربردی، اعتصامی، برعکس قائم‌مقامی، مقید به زبان رسمی و معیار است. در قلمرو محتوایی، دغدغهٔ اصلی قائم‌مقامی، تلاش برای بازیابی هویت زنان است؛ اما اعتصامی، به‌جز چند بیت، اهتمامی به این موضوع نداشته است.

^۱ نویسندهٔ مسئول، دانش آموخته دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه.

واژگان کلیدی: ژاله قائم‌مقامی، پروین اعتصامی، جنسیت، گفتار زنانه، شعر معاصر.

۱. مقدمه

ادبیات برآیند وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است. جنبش فمینیسم، در ادامهٔ رهاکردن زنان از انقیاد سیاسی و اقتصادی مردان، باعث شد زنان نویسنده، خود را از انقیاد ادبی مردان نیز برهانند. تا پیش از آن، سلطهٔ فکری و زبانی مردان به شکل سنت ادبی در آثار زنان نویسنده دیده می‌شد. تلاش برای بروز هویت و حس‌های زنانه و بیان تجربهٔ زیستی مؤنث، پس از بروز و انتشار در بین زنان نویسندهٔ اروپایی و آمریکایی، به ادبیات فارسی نیز سرایت کرد. این ویژگی که برآمده از خودبودگی و صدق عاطفی بود، باعث شکل‌گیری ادبیات زنانه شد. هرچند زبان فارسی برخلاف برخی زبان‌ها مانند انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و عربی، فاقد جنسیت دستوری است، وجود واژگان و اصطلاحات جنسیت‌زده و بسامد برخی ویژگی‌های نحوی و بلاغی، به همراه محتوایی که برخاسته از حس‌ها، حالات و تجربه‌های زنان است، منجر به پدید آمدن گونهٔ ادبی خاصی با نام گفتار زنانه یا زنانه‌نویسی شده است. مسئلهٔ اصلی این پژوهش بررسی و مقایسهٔ گفتار زنانه در اشعار ژاله قائم‌مقامی و پروین اعتصامی است. هدف پژوهش پیش رو نیز یافتن پاسخ این پرسش‌هاست: کدام مؤلفه‌های گفتار زنانه در اشعار قائم‌مقامی و اعتصامی بسامد دارد؟ زنانه‌نویسی این دو شاعر چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد؟

۲. پیشینهٔ پژوهش

پژوهش‌های معدودی دربارهٔ گفتار زنانه در اشعار قائم‌مقامی و اعتصامی، به صورت جداگانه انجام شده است که به آن‌ها اشاره می‌شود:

محمد معین صفاری (۱۳۹۸)، در پژوهش «زنانه‌نویسی در شعر پروین اعتصامی» دریافت است که گفتمان زنانه در اشعار وی با استفاده از تعابیر زنانه، بهره‌گیری از تصاویر زنانه

در شعر، تکرار واژگان و حروف، میل به صنایع ساده شعری به جای استفاده از ابهام و ابهام و تشبیهات مرکب و استعاره‌های پیچیده، پرداختن به مسائل زنان و استفاده از وجه‌های عاطفی جملات، تبلور یافته است.

آزاده شریفی‌مقدم و آناهیتا بردبار (۱۳۹۸)، در «تمایزگونی جنسیت در اشعار پروین اعتصامی» که پژوهشی زبان‌شناختی است، ویژگی‌های گونه گفتاری زنان را در اشعار پروین اعتصامی در سطوح واژگان، الگوها و ساخت‌های زبانی، و انتخاب موضوع گفت‌وگو بررسی کرده‌اند و معتقدند اعتصامی در بیشتر مختصات زبانی مانند استفاده از اقلام و صورت‌های واژگانی، کاربرد ساخت‌ها و الگوهای زبانی، انتخاب موضوع و ویژگی‌های کاربردی و فرازبانی، کاملاً موافق با روحیات و خلق‌خوی زنانه عمل کرده است.

مریم بیک (۱۴۰۲)، در مقاله «شناسه‌ها و شاکله‌های زنانه‌گویی یا گویش زنانه در شعر ژاله قائم‌مقامی» به بررسی نشانه‌های کنشی، محتوایی، نحوی و بلاغی زنانه‌نویسی در اشعار وی پرداخته است. نتیجه‌گیری این مقاله که از لحاظ ساختاری منطبق بر مقاله‌های غلامی و بخشی‌زاده (۱۳۹۲)، با نام «شعر زنانه ایران و سبک و گویش زنانه» است، و حاوی این یافته‌هاست که قائم‌مقامی در لایه واژگانی با استفاده از واژگان کهن نوعی برجسته‌سازی را در شعرش مطرح کرده؛ در لایه نحوی وجه عاطفی، سادگی جملات و تکرار پربسامد است و در لایه ایدئولوژی، تمام حرف شاعر «زن و اهمیت جنس زن» است.

دعاء المصطفی و حمیرا زمردی (۱۴۰۳)، در مقاله «سبک‌شناسی اشعار زنانه بر اساس اشعار ژاله قائم‌مقامی و فروغ فرخ‌زاد» در سه سطح آوایی، واژگانی و نحوی به تحلیل اشعار این شاعران پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که ایدئولوژی فمینیستی این دو شاعر در کلام آنان با بهره‌گیری از واژگان زنانه، نحو ساده، پرسش، توجه به تردید و تکرار، پوشیده‌گویی و جزئی‌نگری نمود یافته است.

چنان‌که مشخص است نخستین بار در پژوهش پیش رو، به بررسی تطبیقی گفتار زنانه در اشعار ژاله قائم‌مقامی و پروین اعتصامی پرداخته می‌شود.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این مقاله با روش اسنادی و رویکرد توصیفی - تحلیلی نوشته شده است. موضوع این پژوهش، بررسی و مقایسه گفتار زنانه در اشعار ژاله قائم‌مقامی و پروین اعتصامی است. اهداف و سؤالات پژوهش مبتنی بر این فرضیه‌ها بود که با وجود شباهت‌های این دو شاعر از لحاظ خاستگاه خانوادگی، تحصیلات، هم‌دورگی سیاسی و اجتماعی و ناکامی در ازدواج، مؤلفه‌های گفتار زنانه در اشعار آنان اختلاف‌های بارزی دارد. با بررسی پژوهش‌هایی که درباره زنانه‌نویسی و گفتار زنانه، به‌طور جداگانه درباره قائم‌مقامی و اعتصامی انجام گرفته بود، به این نتیجه رسیدیم که در هیچ پژوهشی به بررسی و مقایسه گفتار زنانه در اشعار این دو شاعر پرداخته نشده است. پس از نمونه‌گیری اشعار و فیش‌برداری و انتخاب عناوین اصلی و فرعی، به بررسی و مقایسه زنانه‌نویسی در اشعار ژاله و پروین پرداختیم.

۴. چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر برداشتی آزاد از دیدگاه دکتر محمود فتوحی درباره گفتار زنانه است که سخن زنان را بر اساس بسامد برخی خصوصیات واژگانی، نحوی، بلاغی، کاربردی و قلمرو محتوایی، مورد کنکاش و بررسی قرار می‌دهد.

لایه واژگانی

هرچند نمی‌توان قلمروی خاص برای واژگان زنانه و مردانه تعیین کرد، بسامد برخی واژگان و اصطلاحات در یکی از دو جنس بیشتر است. همان‌گونه که واژگان مربوط به ماشین‌آلات، سیاست و ورزش بیشتر از زبان مردان شنیده می‌شود، واژگان مربوط به بارداری، آشپزی، خانه‌داری،... در گفتار زنان بارزتر است. از سوی دیگر، دقت و جزئی‌نگری زنان در پدیده‌ها، بر دایره واژگان آنان تأثیرگذار است. «زنان برای نام‌گذاری دقیق و تفکیک پدیده‌های جزئی از واژه‌های بیشتری استفاده می‌کنند»

(فتوحی، ۱۳۹۸: ۴۰۴). سبک روایت زنان متمایل به توصیف و بازگویی است. در حالی که مردان برای شرح پدیده‌ای به جملاتی کلی و تلگرافی بسنده می‌کنند، زنان به بیان ریزترین جزئیات می‌پردازند و دایره توصیف را با کمک قیدها و صفت‌ها مصداقی‌تر و عینی‌تر می‌کنند تا جایی که می‌توانند دقیق‌ترین تصویر یک پدیده یا رویداد را در ذهن مخاطب بازسازی کنند.

لایه نحوی

زنان تمایل بیشتری به ساده حرف‌زدن دارند. پرهیز از ساخت‌های پیچیده دستوری در آثار زنان نمود بیشتری دارد. وجود جملات تعجبی و عاطفی در کلام زنان پربسامد است. حذف و قطع جملات که گاه به صورت استفاده از نقطه‌چین نمود می‌یابد، نشان‌دهنده تردید زنان برای ادامه سخن به شمار می‌رود. استفاده از جملات پرسشی و پرسش‌های ضمیمه‌ای مانند: مگر نه؟ این طور نیست؟ همین طور است؟ فراهم کننده زمینه‌ای برای رهایی از تک‌صدایی و ورود به ساحت چندصدایی (دیالوگ) است. تشدیدکننده‌ها از جمله قسم و قیدهایی مانند «یک‌عالمه، فوق‌العاده، واقعاً» ویژگی نحوی زنان برای باورپذیر کردن سخنان خود در نزد مردان است؛ این مسئله حاوی این نگرش تاریخی است که زنان جنس دوم‌اند و باید برای اثبات حرف خود به جنس اول، تلاش کنند. از سوی دیگر، زنان با تأکید بر موضوع، تکرار، کاربرد مترادف و قید و صفت، ایده خود را بیان می‌کنند.

لایه بلاغی

ویژگی‌های پربسامد بلاغت زنانه را می‌توان در دو ساحت کنایه و تعریض، و استفاده از استعاره‌های زنانه پی‌گیری کرد. «استفاده از معانی پوشیده، چندلایه و کنایی در میان زنان رایج‌تر است. استعاره‌ها نیز از آنجا که خاستگاهی فرهنگی دارند، نشان‌دهنده نگرش نویسنده‌اند. گاه زنان با استعاره‌های کالا، لوازم قابل خریدوفروش، لباس و اثاثیه منزل وصف شده‌اند و گاه نیز نام‌های استعاری مانند نام کتاب‌های داستانی زنان بازتاب‌دهنده نقش اجتماعی و نگرش آن‌ها درباره خویش است» (همان: ۴۰۹).

لایه کاربردی

منظور از لایه کاربردی، کاریست گونه رسمی و مؤدبانه زبان در گفتار زنان است. زنان در کاربرد زبان، محتاط‌تر از مردان عمل می‌کنند و تمایل بیشتری به همسویی با زبان استاندارد دارند. «در تحلیل کاربردشناسی، ساخت‌های زبان بر اساس موقعیت و بافتی که به کار می‌روند، بررسی می‌شوند. رعایت ادب، استفاده از گونه رسمی و مؤدبانه زبان و پرهیز از خشونت، سه وجه متمایزکننده زبانی است که زنان به کار می‌برند» (همان: ۴۱۰-۴۱۱).

قلمرو محتوایی

مردستیزی، اعتراض به پس‌راندن زن در فرهنگ مذکر، خودجویی و خودیابی، نگاه به تن و از تن‌نویسی، تکیه بر فردیت زنانه و دغدغه زندگی خانوادگی، از درون‌مایه‌های ادبیات زنانه برشمرده می‌شوند.

۵. یافته‌های پژوهش

ژاله قائم‌مقامی

عالم تاج (ژاله) قائم‌مقامی (اسفند ۱۳۶۲ مهر ۱۳۲۵)؛ پدرش میرزا فتح‌الله، نوه قائم‌مقام ثانی و مادرش مریم خانم، صبیّه معین‌الملک بود. از پنج‌سالگی به مکتب رفت و فارسی، عربی، صرف‌ونحو، معانی، بیان، منطق و نقد شعر را به‌خوبی فرا گرفت و به‌یادگیری حکمت و نجوم نیز پرداخت. در پانزده‌سالگی با خانواده از فراهان به تهران مهاجرت کرد. در شانزده‌سالگی وجه‌المصالحه سیاست‌های مالی پدرش شد و به عقد ازدواج علی‌مرادخان میرپنج بختیاری درآمد که بیش از چهل سال داشت و دخترانش از ژاله بزرگتر بودند. این خان بختیاری اگرچه عاشق فردوسی و ایراندوست بود، روحیه نظامی و جنگاوری داشت و از ثروت معقولی نیز برخوردار بود، نتوانست روح عشق‌جوی ژاله را سیراب کند و پس از چند سال، ازدواج آنان با وجود فرزند به جدایی ختم شد. اشعار برجای‌مانده از ژاله، ۹۱۷ بیت است که در اصل بیشتر از این مقدار بوده؛ زیرا چنان‌که خود نزد فرزندش، حسین پژمان بختیاری اعتراف کرده «سابقاً

دیوانی از غزل ترتیب نموده، اما چندسال پیش آن را طعمه آتش ساخت، زیرا که غزل زبان عشق است و او از این سعادت محروم بوده است» (قائم‌مقامی، ۱۳۹۰: ۱۹)

پروین اعتصامی

رخشنده (پروین) اعتصامی (اسفند ۱۳۸۵ فروردین ۱۳۲۰) فرزند یوسف اعتصامی (اعتصام‌الملک) و اخت‌الملوک اعتصامی است. پدرش از پیشگامان تجدد ادبی ایران و از پیشوایان تحول‌نثر فارسی است. پروین در کودکی همراه پدر به تهران آمد و ادبیات فارسی و عربی را نزد وی فراگرفت و در تیرماه ۱۳۰۳ شمسی، دوره مدرسه دخترانه آمریکایی را در ایران به پایان رساند. پروین نوزدهم تیر ۱۳۱۳ با پسرعمویش که رئیس شهربانی کرمان‌شاه بود، ازدواج کرد؛ اما اخلاق نظامی وی با روح لطیف پروین مغایرت داشت. این ازدواج دیری نپایید و پروین پس از دوماه و نیم زندگی مشترک، از همسرش جدا شد (نک: اعتصامی، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۸).

شباهت‌های زندگی ژاله قائم‌مقامی و پروین اعتصامی

زندگی این دو شاعر از جنبه‌های مختلف، شباهت‌هایی دارد. نگاهی به سال تولد و مرگ آنان، نشان می‌دهد که وقایع اجتماعی و سیاسی نسبتاً یکسانی را در دوره‌های قاجار و پهلوی اول پشت سر گذاشته‌اند. هر دو پس از تولد در خانواده‌ای شناسا و فراگیری درس‌های گوناگون، به تهران کوچیده‌اند. ژاله قائم‌مقامی و پروین اعتصامی، در زندگی مشترک نیز سرنوشتی مشابه داشته‌اند؛ ازدواج آنان با فردی نظامی که توانایی درک ذوق ادبی و روح لطیف و شاعرانه را نداشت، به جدایی زودهنگام انجامید. ژاله در حالی جدا شد که دو فرزند داشت، اما پروین حس مادری را تجربه نکرد. آیا این شباهت‌ها، به گفتار زنانه آنان نیز سرایت کرده است؟ در این پژوهش با ذکر نمونه‌هایی از اشعار این دو شاعر، به بررسی و مقایسه زنانه‌نویسی آنان پرداخته می‌شود.

۱-۵. لایه واژگانی

در این پژوهش برای دستیابی دقیق‌تر به مؤلفه‌های گفتار زنانه، واژگان به دسته‌های زیر تقسیم شده‌اند:

۵-۱-۱. واژگان جنسی

این واژگان دربردارنده ویژگی‌های زیست‌شناسانه، مربوط به بدن مؤنث و تجربه‌های جنسی زنان هستند. «شرم از حرکت و نمایش بدن و بیان خواست‌های جنسی تا جایی که به دیگری صدمه نزنند، از نگاه فلسفی، حقوق بشری و هنر مردود است. ... جهان فرارو بایستی در این اندیشه باشد که قفس تن را بشکند و به تن اجازه دهد تا آزادانه خود را تعریف کند و از نیازهایش بگوید. این مهم در نوشتار زنانه با نگاه زن به تن و کارهای تن و توانمندی‌های زنانه در بازنمایی رفتارهای احساسی یا همان از تن‌نویسی پیوند دارد. نوشتار زنانه حاوی کلمه‌ها، توصیف‌ها و عبارت‌هایی مرتبط با اندام زنانه و برگرفته از تجربه‌هایی است که فقط زن‌ها می‌توانند آن را تجربه کنند» (زارع برمی، ۱۳۹۷: ۹۶). برخی از واژگان جنسی عبارتند از رحم، بکارت، گیس، زایمان، بارداری، سقط جنین،

قائم‌مقامی در اشعارش نمونه‌های گوناگون واژگان جنسی را به‌کار گرفته است. این واژگان گاه بر اندام جنسی دلالت می‌کنند:

دختران سر برون نیارنندی	کاشکی از مشیمه ^۱ مادر
هم در آن حجله جان سپارندی	ور به زهدان درون نشاید ماند
(قائم‌مقامی، ۱۳۹۰: ۱۹۳)	
که در آن ره، پدرت رهبر بود	نه به دلخواه در رحم رفتی
(همان: ۱۹۰)	

و گاه بیان‌کننده حالات و تجربه‌هایی زنانه‌اند:

روز آمد و خویش را گران یافت	شب بود و سبک به راه دل رفت
باری که ز پشت شوهران یافت	چون باربران نهاد بر خاک
(همان: ۲۰۲)	

^۱ محیطی که جنین در آن رشد می‌کند.

حس منفی ژاله قائم‌مقامی از بارداری که با کلمهٔ باربر بیان شده، دربردارندهٔ مفاهیم اجبار، کار بی‌ارزش و عملگی جنسی است که در شعر دیگری نیز به آن پرداخته است:

دیدم که شبی نه بر مراد دل باشوی موافقت به تن کردم
 ۱ بنشست مرا ازو به دل باری کش وصف به گونه‌گون سخن کردم
 زان بار گران میان نازک را چون گنبد سبز نارون کردم
 (همان: ۸۲)

قائم‌مقامی در این ابیات، حس خود را از همبستری اجباری و به‌دنبال آن، بارداری ناخواسته و تغییراتی که به همین سبب در ظاهرش پدید می‌آید، بیان کرده و سپس آرزوی سقط جنین را در ذهن پرورانده:

ای نهان در سینهٔ من! ای دوم فرزند من! گر پسر یا دختری، فارغ شو از پیوند من
 آن یکی آمد تو باری از رحم بیرون میا بس بود یک رشته در زندان سراپا بند من
 (همان: ۶۷)

آرزوی او برای سقط شدن فرزندش محقق نمی‌شود و فرزند به‌دنیا می‌آید و حس‌های منفی این مادر از زایمان و شیردهی در شعر ادامه می‌یابد:

بنهادم^۱ و شیر دادم و رفتم سگ نیز همان کند که من کردم
 (همان: ۸۲)

تشبیه خود به سگ، بیانگر جایگاه پستی است که این مادر- شاعر برای خود قائل شده؛ مادری که پس از تحمل بارداری، زایمان و شیردهی، باید بچه را به خانوادهٔ پدری بسپارد و برود؛ اتفاقی که برای وی رخ داده است. واژگان جنسی در شعر پروین اعتصامی، جایگاهی ندارند.

۵-۱-۲. واژگان جنسی

^۱وضع حمل کردم؛ زایمان کردم.

جنسیت مقوله‌های فرهنگی، عرفی و اجتماعی است. بر این اساس، برخی کارها مانند آشپزی، آرایش، خیاطی، خانه‌داری، بچه‌داری و استفاده از زیورآلات، در عرف و فرهنگ ما، زنانه تلقی می‌شوند؛ در همین راستا، پوشیدن برخی لباس‌ها مانند دامن، رفتاری زنانه است.

تمایل قائم‌مقامی به بیان تجربه‌های زیستی که ناشی از صدق عاطفی است، باعث بروز رفتارهای جنسیتی در اشعارش شده:

ژاله شب نزدیک شد برخیز و فکر و سمه^۱ باش بر کدامین مستمع باب سخن وا می‌کنی
(همان: ۹۵)

به نظر می‌رسد منظور شاعر از این بیت، آرایش صرف نیست و کلمه شب، نشان می‌دهد آرایش، لازمه همبستری است. او در بیتی دیگر، به مهارتش در خیاطی و آشپزی اشاره کرده است:

خیاط تیزپنجه و طباح چرب‌دست بودم ولیک فطرت من خودنگر نبود
(همان: ۱۱۴)

واژگان جنسیتی در شعر قائم‌مقامی جنبه مادرانه نیز دارند:

بار دیگر دیدی ام طفلی در آغوش ای دریغ آن پسر اکنون کجا باشد، کجا ای آینه
(همان: ۱۳۴)

بیان تصویرهای مربوط به بچه‌داری که در ادامه به تجربه‌های تلخ مادرانه و جدایی از فرزند می‌رسد، در ابیات دیگری از دیوان ژاله (همان: ۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۵) دیده می‌شود. همچنین از واژگان جنسیتی مربوط به حوزه پوشاک می‌توان به ابیات زیر اشاره کرد:

چندان به زمانه دیر ماندم تا مقنعه بر سرم کله شد
(همان: ۲۰۴)

آلوده‌خیالی تو و صد شکر که ما را پاک است دل و دامن و پاکیزه بود رخ

^۱ سُرْمه؛ یکی از هفت قلم آرایش قدیم.

(همان: ۱۹۹)

زن ننگ وجود است از آن سبب پیچیده به قیرینه چادری ست

(همان: ۷۸)

این یل^۱ بی‌رنگ و روی نخ‌نماست یادگار عهد شوهرداری‌ام

(همان: ۱۲۹)

همان‌گونه که در بیشتر ابیات پیداست، قائم‌مقامی برای توصیف وضعیت خود، از واژگان جنسیتی بهره برده است؛ اما چنین واژگانی در اشعار اعتصامی، کارکرد دیگری دارد:

در دست بانویی به نخی گفت سوزنی کای هرزه‌گرد بی‌سروبی پا چه می‌کنی؟

(اعتصامی، ۱۳۹۱: ۳۱۱)

چشم و دل را پرده می‌بایست اما از عفاف چادر پوشیده بنیاد مسلمانی نبود

(همان: ۴۳۵)

دامن مادر نخست آموزگار کودک است طفل دانشور کجا پرورد نادان‌مادری؟

(همان: ۷۲۴)

چو آب و رنگ فضیلت به چهر نیست چه سود ز رنگ جامه زربفت و زیور رخشان؟

برای گردن و دست زن نکو، پروین سزاست گوهر دانش نه گوهر الوان

(همان: ۵۳۰)

اعتصامی در این ابیات، وجود حاضر غایبی است که خصوصیات دیگران را گزارش می‌کند بدون این‌که صراحتاً از خود و تجربه‌های شخصی‌اش چیزی بگوید.

۵-۱-۳. واژگان مربوط به جایگاه خانوادگی و اجتماعی زنان

^۱ نیم‌تنه زنانه.

در زبان فارسی واژگان مختلفی برای توصیف موقعیت خانوادگی و اجتماعی زنان وجود دارد؛ مانند دوشیزه، دختر، خواهر، زن، مادر، عروس، بیوه، هوو، معشوقه، روسپی، کنیز، ضعیفه، نان‌خور مرد، پیرزن،

این کلمات در اشعار قائم‌مقامی کاربرد گسترده‌ای دارند:

من هوو کی شوم آخر که خورم خون جگر که به غرناطه^۱ زنی هست و هوویی دارد
(قائم‌مقامی، ۱۳۹۰: ۱۲۸)

من کی‌ام دوشیزه‌ای نسپرده سال از چه پیر و بیوه می‌پنداری‌ام
(همان: ۱۳۰)

هم مرا هنگام خطبه عقد روبروی خویش یافتی بر سفره‌ای دختر با ای آینه
دختری هرهفت کرده بی‌خبر از پنج حس دیده اندر چارسو رنج و بلا ای آینه
(همان: ۱۴۳)

گویی که روسبید^۲ است جفت فلان و بهمان این را کجا پذیرند الله اکبر از من
(همان: ۱۵۸)

قائم‌مقامی از واژگان بیوه، ضعیفه، نان‌خور مرد، مطبخ‌نشین، کنیز، عروس نیز استفاده کرده و کلمات دختر، خواهر، مادر، زن، ... با بسامدی بالا در جای‌جای دیوانش دیده می‌شود. او از کاربرد گسترده این واژه‌ها، اهداف گوناگونی داشته است؛ همچون: تحقیر طرف مقابل، تفاخر و به رخ کشیدن طبقه اجتماعی خود، تأکید بر اخلاق‌مداری و عفت و پاکدامنی، اهمیت استقلال اقتصادی زنان، نقد کودک همسری و چندهمسری، نشان دادن سن، بیان وظایف جنسیتی،

^۱ از شهرهای اسپانیا

^۲ روسپی

برخلاف ژاله قائم‌مقامی، پروین اعتصامی از واژه‌های محدودتری برای نشان‌دادن جایگاه خانوادگی و اجتماعی زنان استفاده کرده است که عبارت‌اند از: مادر، دختر، زن، خواهر، روسپی، پیرزن، نسوان:

وین مادر بس نهفته فرزند بس رنج کشید و خورد تیمار
(اعتصامی، ۱۳۹۱: ۲۵۲)

دختری خرد به مهمانی رفت در صف دخترکی چند خزید
(همان: ۳۱۴)

همتی ای خواهران تا فرصت کوشیدن است پستی نسوان ایران جمله از بی‌دانشی است
(همان: ۷۲۳)

با دوک خویش، پیرزنی گفت وقت کار: کاوخ ز پنبه ریشتم موی شد سفید!
(همان: ۲۴۳)

کرد خشم‌آلوده سوی زن نگاه گفت کز دست تو روزم شد سیاه
(همان: ۳۷۹)

استفاده اعتصامی از این واژگان را می‌توان در اشعار دیگری نیز یافت (همان: ۲۲۸، ۲۵۳، ۲۶۱، ۳۱۵، ۳۲۳، ۳۴۹، ۴۱۴، ۴۳۳، ۴۷۲، ...). این کلمات نشان‌دهنده محدودیت نگرش شاعر به زنان و خلاصه کردن جایگاه آنان در چند موقعیت ویژه است.

۵-۱-۴. جزئی‌نگری زنانه

نمونه‌هایی از جزئی‌نگری ژاله قائم‌مقامی را می‌توان در توصیف، یا به بیان بهتر، نکوهش شوهرش دید:

هم‌صحت من طرفه شوهریست	شوهر نه که بررفته آذریست
باریک و سیاه و بلند و سخت	در دیده من چون صنوبریست
در روی سیاهش دو چشم تیز	چون در شب تاریک اختریست
انگیخته ریشی سیه بلند	بر گونه تاریک لاغریست
ریشش به بناگوشم آنچنانک	در مردمک دیده، نشتریست

بر گردن من چون طناب دار پیوسته از آن دست، چنبریست
با ریش حنابسته نیمشب و صفش چه کنم، وحشت‌آور است
(قائم‌مقامی، ۱۳۹۰: ۷۲)

او در شعر تصویری در قاب طلایی نیز با نگاهی دقیق و ریزبین به توصیف زیبایی
چهره و اندام خود پرداخته و پس از آن مجدداً تصویری دهشت‌ناک از همسرش ارائه
کرده است:

آنکه آنجا خفته وز خرطوم فیل‌آسای خویش صور اسرافیل را بیغاره بر خرخر زده
دیوسیماشوهری کز روی نامیمون خویش آب وحشت صبحدم بر روی همبستر زده
همسری عشق‌آشنا خواهم نه ببری گرسنه پنجه و دندان در این عشق‌آفرین پیکر زده
چشم شهوتران کجا؟ ادراک زیبایی کجا؟ او زند راهی که هر حیوان بی‌مشر زده...
(همان: ۱۴۳)

او در شعری دیگر با نام ناسزاگویی، دوباره به توصیف دقیق و جزء به جزء معایب
شوهرش پرداخته و در شعر حسود نیز تصویری دقیق و نکوهیده از شوهر
دخترعمویش نشان داده است.

جزئی‌نگری در شعر پروین اعتصامی، به شیوه‌ای متفاوت نمود دارد. نگاه ریزبین او در
یافتن موضوعات، باعث شکل‌گیری تمثیلات و مناظره‌هایی شده که نشان‌دهنده ذهنی
وقاد است. بسیاری از پدیده‌ها، اجسام، وسایل و حیوانات در دید او ظرفیت تبدیل به
طرفین مکالمه را داشته‌اند. هرچند در ادبیات تعلیمی چنین چیزی بی‌سابقه نیست، و
تأثیرپذیری پروین از شاعران کهن ایرانی مانند ناصرخسرو، انوری، سنایی، سعدی،
مولوی و حافظ، این نکته را تأیید می‌کند، نوع پردازش تمثیلات و نتیجه‌گیری‌های وی،
نشان‌دهنده جزئی‌نگری و تیزبینی اوست. برای نمونه، در شعر کعبه دل مناظره کعبه و
دل برآمده از دقت شاعر در ویژگی‌ها، تشابهات و تفاوت‌های این دو پدیده است. در
شعر همنشین ناهموار که گلایه آب جوش از دیگ و آتش است، به تفصیل، سرنوشت
آب و کارکرد آن در وجوه گوناگون بیان شده است. در گفت‌وگوی برف و بوستان نیز

که با شکایت بوستان از بارش یکریز برف شروع می‌شود، پرداخت موضوع از زوایای مختلف، قابل تأمل است.

۵-۲. لایه نحوی

در این لایه از زاویه دستور و نحو، به بررسی مؤلفه‌های پرسامد گفتار زنانه پرداخته می‌شود:

۵-۲-۱. جملات ساده و کوتاه

ویژگی روایت‌گری و خودگویی قائم‌مقامی را می‌توان از علل بسامد جملات ساده و کوتاه در اشعارش دانست؛ جملاتی که بدون پیچیدگی‌های دستوری، به خدمت محتوای مورد نظر شاعر درآمده‌اند تا مفهوم را به راحت‌ترین شکل بیان کند:

حاکمی؟ میری؟ وزیری؟ مملکت‌داری؟ چه‌ای؟ کاین همه بحث از نظام ملک دارا می‌کنی؟
(همان: ۹۵)

جنس زن را صبر از نان هست و از آینه نیست گو نباشد هیچ کس، چون هست با ما آینه
(همان: ۵۶)

راستی را که زن بیوه چه بدبخت کسی است خاصه آن زن که بری دارد و رویی دارد
(همان: ۱۲۵)

شوهری سخت بالعجب دارم همدمی آدمی سلب دارم
پیر و پرکبر و زشت و تند و خسیس الغرض نخبه‌النخب دارم
(همان: ۱۶۵)

هرچند گاه تمایل به کهن‌گرایی نحوی یا استفاده از کلمات مهجور، از روان بودن جملات کاسته، مجموعاً شاعر در بیان ذهنیاتش به شیوه‌ای رسا و گویا عمل کرده است.

در دیوان پروین اعتصامی نیز، تسلط او بر استفاده از اوزان متناسب با موضوع و محتوا، به همراه احضار کلماتی که در عین سادگی، به راحتی منظور شاعر را منتقل می‌کنند، باعث روان‌بودن زبان و بیان شده است. این ویژگی بارز نحوی که در جملاتی ساده و

کوتاه بازتاب یافته، نشان‌دهنده قدرت ذهنی و زبانی پروین است به‌گونه‌ای که سخت‌ترین و پیچیده‌ترین مفاهیم را با جملاتی ساده و بدون تعقید بیان کرده است. این ویژگی در شیوه داستان‌سرایی و روایت، برگ برنده شاعر است. شعر آشیان ویران نمونه‌ای شاخص از کاربرد جملات کوتاه و ساده است:

از ساحت پاک آشیانی مرغی بپرید سوی گلزار
در فکرت توشی و توانی افتاد بسی و جست بسیار
رفت از چمنی به بوستانی بر هر گل و میوه سود منقار
تا خفت ز خستگی زمانی یغماگر دهر گشت بیدار
تیری بجهید از کمانی چون برق جهان ز ابر آذر...
(اعتصامی، ۱۳۹۱: ۲۲۴)

این شعر در هفت بند سروده شده و هرچند شاعر خود را ملزم کرده تمام مصراع‌های اول و دوم، جداگانه، هم‌قافیه باشند (صنعت اعنات)، و نیز گاه از کلمات کم‌کاربرد استفاده کرده، کوتاهی و سادگی جملات چشمگیر است. این ویژگی نحوی در بسیاری از اشعار اعتصامی دیده می‌شود؛ ازجمله: اشک یتیم، باد بروت، خوان کرم و بلبل و مور.

۵-۲-۲. جملات پرسشی

پرسش در نحو زنانه، نشانه پرهیز از تک‌صدایی و فراهم‌کننده زمینه گفتگو است. در دیوان ژاله قائم‌مقامی، چند شعر با پرسش ذهنی شاعر از خود یا مخاطبی نامعلوم شروع می‌شود:

زندگانی چیست؟ نقشی با خیال آمیخته راحتی با رنج و شوری با ملال آمیخته
(قائم‌مقامی، ۱۳۹۰: ۵۷)
کیست زن؟ ای وای! این بازیگر این بازیچه گوهری بی‌مایه با خاک سفال آمیخته
چیس_____ت؟ (همان: ۵۹)

چیست مرد این ظاهر بی‌باطن، این هیچ این کلم؟ کآسمان گویی گلش را با ضلال آمیخته
(همان: ۶۰)

هرچند به نظر می‌رسد این سه شعر در ادامه هم، و در اصل، یک شعر باشند، به صورت جداگانه و با نام‌هایی متفاوت در دیوان ژاله منتشر شده‌اند. شعر فرق مرد با زن نیز با پرسشی غیر مستقیم شروع می‌شود:

خواهرم پرسید فرق مرد و زن در چیست، گفتم گویمت این قصه را با نکته‌ای سربسته اما
(همان: ۶۲)

در مجموع تعداد جملات پرسشی در شعر قائم‌مقامی زیاد نیست.

در دیوان پروین اعتصامی، بنابر ذات مناظره که مبتنی بر گفت‌وگو یا پرسش و پاسخ است، گاه از جملات پرسشی استفاده شده:

گفت قاضی: کاین خطاکاری چه بود؟ دزد گفت: از مردم آزاری چه سود؟
گفت: آن زرها که برده‌ستی کجاست؟ گفت: در همیان تلبیس شماسست
گفت: آن لعل بدخشانی چه شد؟ گفت: می‌دانیم و می‌دانی چه شد
گفت: پیش کیست آن روشن نگین؟ گفت: بیرون آر دست از آستین...
(اعتصامی، ۱۳۹۱: ۳۷۱)

بیشترین جملات پرسشی در اشعار تاراج روزگار، توانا و ناتوان، دزد و قاضی و یاد یاران به کار رفته است. با وجود این در دیوان حجیم پروین اعتصامی، در بیشتر اشعار، نسبت جملات پرسشی به کل شعر، چشمگیر نیست؛ برای نمونه در شعر بلبل و مور که شعری شصت و سه بیتی است، تنها شش جمله پرسشی دیده می‌شود؛ و در برخی اشعار نیز مانند آرزوی مادر، شکایت پیرزن، شاهد و شمع، خون دل،... جمله پرسشی وجود ندارد.

۵-۲-۳. تکرار

۵-۲-۳-۱. تکرار کلمه یا جمله

در اشعار ژاله قائم‌مقامی تکرار کلمه و جمله در موارد زیر دیده می‌شود:

قید عفت، قید سنت، قید شرع و قید عرف زینت پای زن است از بهر پای مرد نیست
(قائم مقامی، ۱۳۹۰: ۴۷)

رو بسته، دست بسته، زبان بسته، بسته چشم آخر حقیر کیست اگر زن حقیر نیست
(همان: ۱۲۲)

چه می شد آخر ای مادر اگر شوهر نمی کردم گرفتار بلا خود را چه می شد گر نمی کردم
(همان: ۵۱)

شکلی دیگر از تکرار واژه در اشعار قائم مقامی را می توان در تکرار ردیف آینه در سه شعر از وی مشاهده کرد.

تکرار در دیوان پروین اعتصامی، با توجه به حجم بالای اشعار، بسامد چندانی ندارد؛ با وجود این، در اندک موارد یافته شده، کلمات در چندین بیت تکرار شده اند و بر تأثیرگذاری کلام شاعر افزوده اند. برای نمونه در شعر لطف حق، خداوند در پاسخ نگرانی مادر موسی چنین می گوید:

بحر را گفتم دگر طوفان مکن	این بنای شوق را ویران مکن...
صخره را گفتم مکن با او ستیز	قطره را گفتم بدان جانب مریز...
سنگ را گفتم به زیرش نرم شو	برف را گفتم که آب گرم شو
صبح را گفتم به رویش خنده کن	نور را گفتم دلش را زنده کن
لاله را گفتم که نزدیکش بروی	ژاله را گفتم که رخسارش بشوی
خار را گفتم که خلخالش مکن	مار را گفتم که طفلک را مزن
رنج را گفتم که صبرش اندک است	اشک را گفتم مکاهش کودک است
گرگ را گفتم تن خردش مدر	دزد را گفتم گلوبندش مبر
بخت را گفتم جهانداریش ده	هوش را گفتم که هشیاریش ده

(اعتصامی، ۱۳۹۱: ۶۶۱-۶۶۲)

نمونه های دیگر از این تکرار در شعرهای آرزوی پرواز، جولای خدا، دریای نور، دیده و دل، مست و هشیار نیز آمده است.

۲-۳-۲-۵. تکرار موضوع

بخش قابل توجه تکرار در اشعار ژاله قائم‌مقامی که باعث وحدت محتوایی دیوان وی شده، تکرار موضوع است. این موضوعات عبارتند از: مردستیزی، بیان مصائب زنان و آرزوی آزادی آنان. با توجه به این که خانواده قائم‌مقامی، از خانواده‌های سرشناس و متعلق به طبقات بالای جامعه محسوب می‌شدند، بیان مشکلاتی که ژاله با آن‌ها دست به گریبان بوده (ازدواج اجباری، کودک‌همسری، چندهمسری)، نشان‌دهنده فراگیر بودن مشکلات زنان و وضعیت اجتماعی عموم آنان در اواخر قاجار و پهلوی اول است.

در شعر پروین اعتصامی نیز مانند قائم‌مقامی، تکرار موضوع، پربسامدتر از تکرار کلمه و جمله است. ظلم‌ستیزی، مضمون تعداد زیادی از اشعار دیوان پروین است. این موضوع که در طول تاریخ ادبیات فارسی، مورد توجه شاعران بوده، در ذهن مضمون‌پرداز پروین، در لفافه‌ای از تمثیل و مناظره بین وسایل، پدیده‌ها و حیوانات گوناگون و در موارد محدودی در مکالمه دو نفر، دستمایه انتقاد از طبقه حاکم قرار گرفته و در تقابلی دوگانه به بیان مشکلات مردم پرداخته است. این محتوا را می‌توان برآمده از اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور در دوره‌ای دانست که بخش بسیار گسترده‌ای از جامعه، از امکانات اولیه زندگی محروم بودند.

۲-۴-۵. تشدیدکننده‌ها

علت استفاده از تشدیدکننده‌ها، نهادینه‌شدگی تقابل فرادست-فرو دست در ذهن زنان است که آنان را وادار می‌کند برای باورپذیر بودن سخن‌شان از سوگند یا قیده‌ای تشدیدکننده استفاده کنند. قائم‌مقامی در چند بیت از سوگند استفاده کرده است:

گر از بدبختی‌ام افسانه خواندی داستان‌گویی به بدبختی قسم کان قصه را باور نمی‌کردم
(قائم‌مقامی، ۱۳۹۰: ۵۱)

اما قسم به نور حقیقت که جز خدای کس در سیاه‌روزی من ذی‌اثر نبود
(همان: ۱۱۸)

درد حسد نتیجه ضعف است و ضعف ما درمان‌پذیر نیست؛ به جان منیر نیست

اما قسم به جد پسندیده‌ام علی کان فکر ناپسند مرا در ضمیر نیست
(همان: ۱۱۹)

در شعر پروین اعتصامی نشانه‌ای از تشدیدکننده‌ها دیده نشد.

۵-۳. لایه بلاغی

در این لایه، دو شاخصه کنایه و تعریض، و استعاره‌های زنانه بسامد یابی می‌شوند:

۵-۳-۱. غلبه کنایه و تعریض

بیشترین کاربرد کنایه و تعریض در اشعار قائم‌مقامی، برای نکوهش مردان است:

از جبین و دهان و چهر و لیش نور و طیب و گل و رطب دارم
سر خود را به سینه‌ام چو نهد حالت مآدر و هب دارم
دست بر گردنم کند گویی نقشش حمال‌هال‌حطب دارم
(همان: ۱۶۶)

نمونه‌های این تعریض در اشعار قائم‌مقامی چشمگیر است (همان: ۶۰، ۱۰۸، ۱۲۵، ۱۱۹، ۸۷، ...). قائم‌مقامی گاه نیز از تعریض‌های جنسی استفاده کرده:

اما قسم به جد پسندیده‌ام علی کان فکر ناپسند مرا در ضمیر نیست
(همان: ۱۱۹)

زن هم آخر چون تو ای زانصاف دور خواهشی دارد که گاهش رهزن است
(همان: ۱۸۵)

او در غزل زیر با زبانی کنایی، به درخواست ناپسند مرد همسایه جواب داده است:

زان قطعه ناپخته که دلکش‌تر از آن پخ داری طمع وصل من الحق که خری چخ
گفتم که خموشی ست جوابت چو نباشد الفاظ پریشان تو شایسته پاسخ...
جوینده دیدار من! وعده من لا دلسوخته وصل من! شربت یخ یخ
این پاسخ آن قطعه وارفته که گفתי: «ای ماه فریبنده لب! ای ترکی خلخ!»
(همان: ۲۰۰)

- پروین اعتصامی هم به تناسب فضای تعلیمی اشعارش، بسیار از کنایه بهره برده و از ضرب‌المثل در مقام تعریض استفاده کرده است:
- نخست رسم و ره ما درستکاری بود قبیلۀ تو در آیین دزدی استادند
(اعتصامی، ۱۳۹۱: ۳۵۴)
- طفل فقیر را هوس و آرزو خطاست شاخی که از تگرگ نگون گشت، بر نداشت
(همان: ۵۴۵)
- نه هر کو گل‌های راند، شبان است نه هر کو چشم دارد، پاسبان است
(همان: ۵۸۹)
- رنگ‌رز شو تا که در خم هست رنگ برق شد فرصت، نمی‌داند درنگ
(همان: ۳۴۵)
- از بهر حفظ گله، شبان چون به خواب رفت سگ باید ای فقیه، نه آهوی خوشخرام
(همان: ۱۳۵)

۵-۳-۲. استعاره‌های زنانه

- قائم‌مقامی لوازم زنانه مانند آینه، فر گیسو، چرخ خیاطی، سماور، صدره (نیم‌تنه زنانه) و شانه را عمدتاً در جایگاه استعاره از همدم و هم‌صحبت قرار داده است. از این میان، آینه بیشترین نقش را دارد. در این اشعار، آینه یا موضوع گفت‌وگوست:
- من در این رنج آشنا تنها و تنها آینه با که گویم گر نگویم درد دل با آینه
(قائم‌مقامی، ۱۳۹۰: ۵۴)

یا طرف گفت‌وگو:

- ای آینه ما را ز غم آزاد توان کرد یک ره به دروغی دل ما شاد توان کرد
(همان: ۱۰۹)
- از تو روزی چند اگر ماندم جدا ای آینه فارغ از یاد تو نبودم من، بیا ای آینه
(همان: ۱۳۲)

بسامد استعاره آینه، بازتاب‌دهنده گرایش ژاله به صحبت با تصویر خود است. تنهایی ژاله و میل به گفت‌وگو با کسی که بدون قضاوت به درد دل‌های او گوش بسپارد، در

این دسته از اشعار وی آشکار است. «خودگویی بیش از گفتگو در نوشتار زنانه قابل پیگیری است. از آنجاکه زنان واقعیت را بر خلاف تصورات خویش می‌یابند، در لاک تنهایی فرو می‌روند و برای ایجاد توازن بین واقعیت و ایده‌آل‌ها و همچنین برقراری ارتباط بین خود با سایرین خیال‌بافی می‌کنند. نتیجه این می‌شود که رؤیاپردازی یا خواب دیدن‌ها در ذهن رمان‌تیک زنانه جبران‌کننده بسیاری از آرزوهای دور و دست‌نیافتنی می‌گردد» (زارع برمی، ۱۳۹۷: ۹۸). قائم‌مقامی در اشعار زیر، به ترتیب با لباس نیم‌تنه‌اش (یل، صدره)، شانه و فر گیسو صحبت کرده است:

این یل بی رنگ‌وروی نخ‌نماست یادگار عهد شوهردارام
هان بیا ای صدره دیرینه‌روز ای رفیق مستی و هشیاریام
(قائم‌مقامی، ۱۳۹۰: ۱۲۹)

گیس‌هایم به هم گره خورده‌ست تو که دستی گره‌گشا بودی
داشت آرایش‌ی و سامانی موی ما تا تو پیش ما بودی
(همان: ۹۹)

چین خورده است چهره آرام طهرام چشمش چه دیده از تو، به ابروی من بگو
ای فرا! گرت به سینه غباری نشسته است آن را سبک به اشک خطاشوی من بگو
(همان: ۱۸۷)

ژاله در این اشعار، خود یک طرف گفتگوست. مخاطب با این ابزار زنانه، بیانگر تمایل وی به زیبایی و خودآرایی، به عنوان سرشتی زنانه است.

استعاره‌های زنانه در اشعار پروین اعتصامی گاه مربوط به جغرافیای آشپزخانه‌اند: ماش و عدس، سیر و پیاز، نخود و لوبیا، تابه و دیگ؛ و گاه بازتاب‌دهنده کارهایی زنانه‌اند که با ابزاری مانند نخ و سوزن، و آینه و شانه ارتباط دارند:

عدسی وقت پختن، از ماشی روی پیچید و گفت: این چه کسی‌ست؟
(اعتصامی، ۱۳۹۱: ۲۵۹)

به کنج مطبخ تاریک تابه گفت به دیگ: که از ملال نمردی، چه خیره‌سر بودی

(همان: ۴۵۷)

پروین در این اشعار طرف گفتگو نیست، بلکه شاهد و شنوای گفت‌و شنود این وسایل است. استعاره‌های زنانه در اشعار پروین، تداعی‌کننده تلاش زن برای انجام وظیفه‌های جنسیتی مانند پخت‌وپز و دوخت‌ودوز است.

۵-۴. لایه کاربردی

قائم‌مقامی را آغازگر ادبیات زنانه دانسته‌اند (نک: کراچی، ۱۳۸۳: ۴). یکی از عوامل دخیل در این گزاره، هنجارشکنی زبانی ژاله است. استفاده از واژگانی خاص برای بیان موضوعاتی بی‌سابقه یا کم‌سابقه در ادبیات فارسی، که شعر او را به طنز و گفتار نزدیک می‌کند، از جمله این مشخصه‌هاست. چنین زبانی، به‌ویژه با در نظر گرفتن زمان زندگی قائم‌مقامی، مشابهتی با گونه رسمی و مؤدبانه زبان ندارد؛ برای نمونه، در نامه‌ای خطاب به دختر عمویش که از حسادت ژاله به زندگی و همسرش نگران است، چنین سروده:

شویت به چشم من چو پنیری ست بی‌نمک	رغبت‌فزای خاطر من آن پنیر نیست
سرخ و سفید و فربه و کوتاه و زردموسست	بالله نظرفریب من آن بی‌نظیر نیست
صوت ضعیف و دست ظریف و تن لطیف	خاص زن است، درخور مرد قدیر نیست

(قائم‌مقامی، ۱۳۹۰: ۱۲۰)

این نحوه کاربرد زبان که نمونه‌های متنوعی در دیوان قائم‌مقامی دارد، فراروی از زبان معیار قلمداد می‌شود.

زبان اعتصامی مطابق با زبان معیار ادبی است. او با پیروی از سنت ادبی، و بدون شهاامت فراروی از این هنجار، ادامه‌دهنده زبان مردان شاعری مانند سنایی، ناصرخسرو، منوچهری، انوری، مولوی، سعدی،... است که در اشعارش ردّ تأثیرپذیری از آنان مشهود است:

تا به بازار جهان سوداگریم	گاه سود و گاه زیان می‌آوریم
گر نکوبازارگانیم از چه روی	هرگز این سود و زیان را نشمریم؟

(اعتصامی، ۱۳۹۱: ۱۴۵)

استفاده از کلمات و ویژگی‌های دستوری سبک خراسانی، نشان‌دهنده گرایش اعتصامی به کاربرد زبان پیشینیان است:

تو بدین کارگه اندر چو یکی کارگری هنر و علم به دست تو چو افزاری چند
(همان: ۹۷)

درزی شو و بدوز ز پرهیز، پوششی کاین جامه، جامه‌ای‌ست که خلقان
نمی‌شود

(همان: ۱۰۱)

۵-۵. قلمرو محتوایی

محتوا شامل مقوله‌های متنوع و گسترده‌ای است که در این پژوهش به موارد زیر پرداخته می‌شود:

۵-۵-۱. بغض تاریخی از فراموش‌شدگی زن و مردستیزی

تلاش برای آزادی از بند قوانینی که مردان برای زنان وضع کرده‌اند، از مهم‌ترین مفاهیمی است که همزمان با دوران مشروطه و پس از آن، به ساحت نوشتار زنان وارد شد. این قوانین زنان را از حضور در عرصه اجتماع منع و قلمرو آنان را محدود به اندرونی می‌کرد:

خواهرم پرسید فرق مرد و زن در چیست گفتم گویمت این قصه را با نکته‌ای سربسته اما
در دکان آفرینش جنس ما و اوست یکسان عمر ما طی می‌شود در کیسه‌ای دربسته اما...
تا برون آید زن از این محبس مردآفریده دست و پا باید که هست ای جان خواهر، بسته اما
(قائم‌مقامی، ۱۳۹۰: ۶۲)

بخشی از اشعار ژاله قائم‌مقامی به نقد این قوانین و تأثیر گسترده آن در ازدواج اجباری، کودک‌همسری و چندهمسری اختصاص دارد:

آن‌که زن را بی‌رضای او به زور و زر خرید هست نامحرم به معنی، و به صورت شوهر است
(همان: ۱۴۹)

ازدواجی شرعی است این یا زنایی شرع رنگ نی غلط گفتم نکاحی با نکال آمیخته

(همان: ۶۱)

او در نقد کودک‌همسری، تجربه شخصی خود را بیان کرده است:

وحشتی کودکانه در دل خویش من از این غول نیمشب دارم
دخترانش ز من بزرگترند بمگو شکوه بی‌سبب دارم
وصلتم وصلت سیاست بود این سیاست ز مام و اب دارم
(همان: ۱۶۷)

مگر باری گران بودیم و مشت استخوان ما پدر را پشت خم می‌کرد اگر شوهر نمی‌کردم
(همان: ۵۱)

چنان‌که در دو بیت اخیر مشخص است، مردستیزی ژاله، محدود به انتقاد از شوهر نیست. او پدرش را نیز به علت اجبار وی به ازدواج، سرزنش کرده است.

پروین اعتصامی، هرچند در اشعار بسیاری مانند /شک یتیم، دزد و قاضی، مست و هشیار، شکایت پیرزن،... به ظلم‌ستیزی و دفاع از محرومان و ستمدیدگان پرداخته است، در حمایت از حقوق زنان و تلاش برای بازیابی این حقوق از دست‌رفته در جامعه مردسالار، به نمونه‌هایی بسیار محدود بسنده کرده است. او در شعر نهال آرزو که در سال ۱۳۰۳ و هم‌زمان با فارغ‌التحصیلی از مدرسه دخترانه آمریکایی در تهران، سروده، معتقد است:

به که هر دختر بداند قدر علم آموختن تا نگوید کس: پسر هشیار و دختر کودن است
زن ز تحصیل هنر شد شهره در هر کشوری بر نکرد از ما کسی زین خواب بی‌دردی، سری
از چه نسوان از حقوق خویشتن، بی‌بهره‌اند؟ نام این قوم از چه رو افتاده از هر دفتری
(اعتصامی، ۱۳۹۱: ۷۲۴)

اعتصامی در شعر فرشته انس به تقسیم وظایف زن و مرد و بیان اهمیت دو گروه پرداخته و مظلومیت تاریخی زنان را امری مقدر ندانسته است:

به هیچ مبحث و دیباچه‌ای قضا ننوشت برای مرد، کمال و برای زن، نقصان...
وظیفه زن و مرد ای حکیم دانی چیست؟ یکی ست کشتی و آن دیگری ست کشتی‌بان

(همان: ۵۲۶)

وی اما در شعر زن در ایران با مقایسه وضع زنان نسبت به گذشته، از بهبود وضع آنان ابراز خشنودی کرده است:

زن در ایران پیش از این گویی که ایرانی نبود پیشه‌اش جز تیره‌روزی و پریشانی نبود
زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می‌گذشت زن چه بود آن روزها، گر زانکه زندانی نبود؟
(همان: ۴۳۳)

در مجموع، اعتصامی بیش از آنکه دغدغه حمایت از زنان را داشته باشد، به مفهوم انسان اندیشیده و شعرش را رسان‌های برای بیان رنج‌ها و مشکلات طبقه محروم قرار داده است.

۵-۵-۲. تن‌نویسی

ژاله قائم‌مقامی اهل مفاخره است و بخش عمده‌ای از این تفاخر به ویژگی‌های ظاهری و بدن وی مربوط می‌شود. گفت‌وگو با شانه، آینه و فرگیسو نیز مؤید همین نکته می‌تواند باشد. شعر تصویری در قاب طلایی بیانگر علاقه وی به تن‌نویسی و درونمایه اروتیک است:

این منم یا آفتابی از فلک سربرزده این منم یا نازنین طاووسی از هندوستان آسمانی‌پیکری در آسمانی جامه است بوس عطرافشان ندیدی! این لب خوش بوسه بین در بر چون صبح من، بینی دو ماه چارده گر کسی بلور دست افشار خواهد، گو ببین سینه‌یی دارم به نرمی، حسرت قاقم شده شانه‌ام در زیر گیسو چون حریری موج‌دار نیک‌بخت آن همسری کاین پرنیانی‌سینه را گردن چون عاج من بر شانه چون آب من چون بخندم حوضکی بر گونه‌ها پیدا شود	خنده از تابندگی بر ماه و بر اختر زده ره به طاووس بهشت از نقش بال و پر زده یا گلی سرخ است سر از جام نیلوفر زده همچو گلبرگ بهاری غوطه در شکر زده یا که مهر و ماه یکجا خیمه در خاور زده بازوانی بر بلور آبگون تسخر زده پیکری دارم به شوخی، طعنه بر مرمر زده بر رخ اهل نظر چشمک ز صد منظر زده زیر سر دارد، وزین گیسو به سر افسر زده هست خود فواره‌یی از عاج بر کوثر زده وز لب هر حوضه، آب زندگی ساغر زده...
---	--

(قائم‌مقامی، ۱۳۹۰: ۱۴۰-۱۴۲)

این‌گونه تنانه‌نویسی با در نظر گرفتن، اوضاع فرهنگی، عرفی و دینی ایران در دورهٔ زیست ژاله، تابوشکنی محسوب می‌شود. از سوی دیگر، هنجارگریزی‌های ژاله قائم‌مقامی، نشان‌دهندهٔ دغدغهٔ زنی است که ورای خواست‌ها و انتظارات تحمیلی جامعه، به خود و داشته‌های جسمی و جنسی‌اش نیز توجه داشته و آزادانه احساسات تنانه‌اش را بیان کرده است. بیان قائم‌مقامی در این شعر و دیگر اشعار تنانه، نه‌تنها کلی نیست، بلکه ریزبینانه و جزء‌به‌جزء است. اشعار پروین اعتصامی فاقد نمونه‌ای برای تن‌نویسی هستند.

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش با در نظر گرفتن تشابهات زندگی ژاله قائم‌مقامی و پروین اعتصامی، به بررسی و مقایسهٔ گفتار زنانه در اشعار ایشان پرداخته و لایه‌های واژگانی، نحوی، بلاغی، کاربردی و نیز قلمرو محتوایی در دیوان آنان بررسی شد. در لایهٔ واژگانی، اشعار ژاله قائم‌مقامی دربردارندهٔ واژگان جنسی، واژگان جنسیتی و واژگان معرف جایگاه اجتماعی و خانوادگی زنان بود؛ اما در اشعار پروین اعتصامی، واژگان جنسی دیده نشد؛ ضمن این‌که وی واژگان جنسیتی و واژگان معرف جایگاه زنان را برای توصیف دیگران به کار برده؛ اما قائم‌مقامی از این واژگان غالباً برای توصیف وضعیت خود استفاده کرده است. در همین لایه، جزئی‌نگری قائم‌مقامی، مصداقی است و شامل مواردی مانند توصیف همسر یا بیان ویژگی‌های ظاهری خود است؛ در حالی که نگاه ریزبین اعتصامی در پیدا کردن موضوعات خاص و توجه به جزئیات برای پیشبرد روایت، قابل توجه است.

در لایهٔ نحوی، هر دو شاعر گرایش به جملات ساده و کوتاه داشته‌اند که ناشی از علاقهٔ آنان به توصیف و روایتگری است. جملات پرسشی در دیوان دو شاعر کم‌کاربرد است. تکرار کلمه و جمله، به شکل‌های مختلف، در شعر هر دو دیده شد؛ اما تکرار اصلی، مربوط به تمرکز دو شاعر بر موضوعاتی بود که دغدغهٔ ذهنی آنان را می‌رساند.

بسامد موضوعات مربوط به مردستیزی، بیان مصائب زنان و آرزوی آزادی آنان، باعث وحدت محتوایی دیوان قائم‌مقامی شده؛ اعتصامی نیز موضوع ظلم‌ستیزی را در تمثیلات و مناظره‌های گوناگون مورد توجه قرار داده است. در بخش دیگری از لایه نحوی، قائم‌مقامی از سوگند در نقش تشدیدکننده بهره برده؛ اما شعر اعتصامی این ویژگی را ندارد.

در لایه بلاغی، صورت‌های مختلف کنایه و تعریض در هر دو دیوان وجود دارد. در بخش استعاره‌های زنانه، قائم‌مقامی از وسایلی مانند آینه، فر گیسو، شانه و صدره (نیم‌تنه زنانه) برای ساختن استعاره استفاده کرده و آن‌ها را همدم و هم‌صحبت خود قرار داده است. تخاطب با این ابزار، تمایل شاعر به زیبایی و خودآرایی را نشان می‌دهد؛ اما استعاره‌های زنانه اعتصامی بیشتر محدود به جغرافیای آشپزخانه‌اند و شامل ماش و عدس، سیر و پیاز، نخود و لوبیا، تابه و دیگ می‌شوند. هرچند گفت‌وگوی آینه و شانه، نخ و سوزن نیز در اشعار وی آمده است. شاعر در این سروده‌ها، بر خلاف روش قائم‌مقامی، طرف گفت‌وگو نیست. این دست از استعاره‌های اعتصامی، تداعی‌کننده تلاش زن برای انجام وظایف جنسیتی مانند آشپزی و خیاطی است. در لایه کاربردی، قائم‌مقامی مقید به کاربرد زبان رسمی و معیار نیست؛ اما اعتصامی قائل به زبان رسمی است که به شکل پیروی از سنت ادبی در اشعارش دیده می‌شود. در قلمرو محتوایی، هم و غم قائم‌مقامی پرداختن به هویت فراموش‌شده زن، مردستیزی و دفاع از حقوق زنان است؛ در حالی که اعتصامی، جز در چند بیت، چنین دغدغه‌ای نداشته است. در مجموع، گفتار زنانه در اشعار ژاله قائم‌مقامی، در لایه‌های بیشتری نمود یافته است.

منابع

- اعتصامی، پروین. (۱۳۹۱). *دیوان پروین/اعتصامی (متن کامل)*. تهران: مؤسسه انجمن قلم ایران.

- المصطفی، دعاء، زمردی، حمیرا. (۱۴۰۳). «سبک‌شناسی اشعار زنانه بر اساس اشعار ژاله قائم‌مقامی و فروغ فرخ‌زاد». نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی. سال هفدهم، شماره سوم، شماره پی در پی ۹۷، صص ۳۲۳-۳۴۲.
(<https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.17.7451>)
- بیک، مریم. (۱۴۰۲). «بررسی شناسه‌ها و شاکله‌های زنانه‌گویی یا گویش زنانه در اشعار ژاله قائم‌مقامی». تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)؛ دوره ۱۵، شماره ۵۷. صص ۲۰-۴۲. (doi: [10.30495/dk.2023.704821](https://doi.org/10.30495/dk.2023.704821))
- زارع برمی، مرتضی. (۱۳۹۷). «نمودهای زنانگی و مردانگی در زنانه‌نویسی و مردانه‌نویسی». دوفصلنامه علمی-پژوهشی، سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان. صص ۹۱-۱۰۸. (<https://www.ensani.ir/fa/article/394291>)
- شریفی مقدم، آزاده، بردبار، آناهیتا. (۱۳۸۹). «تمایزگونگی جنسیت در اشعار پروین اعتصامی». دوفصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء. سال دوم، شماره ۳، پاییز و زمستان. (Doi: [10.22051/JLR.2014.1060](https://doi.org/10.22051/JLR.2014.1060))
- صفاری، محمدمعین. (۱۳۹۸). «زنانه‌نویسی در شعر پروین اعتصامی». نخستین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه. شیراز.
- غلامی، حمیده، بخشی‌زاده، معصومه. (۱۳۹۲). «شعر زنانه ایران و سبک و گویشی زنانه». فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال ششم، شماره چهارم، پیاپی ۲۲. صص ۲۲۵-۲۴۴. (https://bahareadab.com/article_id/320)
- فتوحی رودم‌عجنی، محمود. (۱۳۹۸) سبک‌شناسی؛ نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. چ چهارم. تهران: سخن.
- قائم‌مقامی، عالم‌تاج. (۱۳۹۰). دیوان عالم‌تاج (ژاله) قائم‌مقامی. تهران: گل‌آذین.
- کراچی، روح‌انگیز. (۱۳۸۳). عالم‌تاج قائم‌مقامی و هفت بررسی. شیراز: داستان‌سرا.